

بسمه تعالی

تفکر آزاد ، توقع ممنوع

نویسنده :

مهناز احمدی مقدم

A-PDF

انتشارات ثابت قدم

Watermark

با همکاری انتشارات ارسطو

1394

سرشناسه: احمدی مقدم، مهناز، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: تفکر آزاد، توقع ممنوع / نویسنده مهناز
احمدی مقدم.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات ثابت قدم، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.: جدول.

شابک: 978-600-93601-8-5

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: آزادی عقیده

موضوع: آزادی بیان

رده بندی کنگره: BV۱۳۹۴۷۴۰۷۳ الف/

رده بندی دیویی: ۴۲۲/۳۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۳۵۹۶۶

نام کتاب: تفکر آزاد توقع ممنوع

مؤلف: مهناز احمدی مقدم

ناشر: ثابت قدم (با همکاری انتشارات ارسطو)

صفحه آرائی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

چاپ: مهتاب

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۰۱-۸-۵

تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱

۱۵	آبرو، شرک مُدرن و بُت امروزی.....	۱۰۳
۱۶	غرور و سوسهٔ شیطانی و ریشهٔ تمامی خطاهای بشر.....	۱۱۷
۱۷	ذوق و شوق مهمانی.....	۱۲۹
۱۸	« دروغگو » قدیمی‌ترین دشمن خدا.....	۱۴۳
۱۹	شادی نیازی مانند هوا.....	۱۶۵
۲۰	انسان به موسیقی بیش از کلام نیازمند است.....	۱۸۳
۲۱	همزیستی گل و خار.....	۱۹۱
۲۲	توقع ممنوع.....	۱۹۵
۲۳	سوغاتی از هند.....	۲۰۱
۲۴	انگشتر پادشاهی.....	۲۱۱
۲۵	سفر به الله آباد.....	۲۱۷
۲۶	آلفرد نوبل، مخترع ابزار جنگ یا متکرجایزه نوبل.....	۲۲۹
۲۷	کتاب درمانی، اصولی‌ترین شیوه درمان دردها.....	۲۳۳
۲۸	واژه سازی و واژه گزینی، اسباب غفلت از مفهوم.....	۲۴۳
۲۹	حسادت، بیماری روانی.....	۲۴۹
۳۰	تصاویر دیداری، بالا ترین تأثیر تبلیغی کودکان.....	۲۵۷
۳۱	هشدار برای هوشیاری.....	۲۶۹
۳۲	مرگ، اتفاقی غیر منتظره نیست.....	۲۷۵
۳۳	برداشت‌های جاهلانه از حقیقت مرگ.....	۲۸۳
۳۴	مناجاتی با خدا.....	۲۹۳

مقدمه نویسنده (فکر کردن، یک صنعت است.)

بسیار شنیده‌ایم که وقت از طلا با ارزش‌تر است، زیرا هنگامی که وقت از دست می‌رود دیگر نمی‌توان به آن دست یافت. بهترین سرمایه‌انسان، عمر و وقت است. هیچ‌گاه سرمایه عمر را دو بار به انسانی نداده‌اند که یکبار به این جهان بیاید و با آن تجربه بیاندوزد و بار دیگر به جهان باز آید و آن تجارب را به کار گیرد. خواننده محترم باورت می‌کنم که به هنگام مطالعه مطالب پیش رو بهترین سرمایه عمرت را صرف می‌کنی و من با احترام به اوقات ارزشمندت نهایت تلاش را در حد بضاعت اندک خود به انجام رسانده‌ام تا با مطالعه هر کدام از مطالب مندرج، دریچه جدیدی را در ذهن و افکارت بگشایم.

مطمئناً این را هم می‌دانی که یکی از شاخصه‌های سنجش توسعه و ترقی یک کشور، میزان مطالعه نشریات و کتب توسط مردم است. زیرا افراد جامعه از این طریق می‌توانند دانسته‌های خود را در موضوعات مختلف و گوناگون گسترش دهند و این یعنی زمینه‌ای برای رشد فکری بشر و آغازی برای سعادت انسان، چه بسیار زیبا شاعر سروده است که:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

بواقع اندیشه و فکر پیشرفت که این چرخ جایگاهی را بران خود کرده است تا آنجا که یک ساعت تفکر می‌تواند از ۷۰ سال عبادت پیشی بگیرد. چنانچه انسان‌ها در کتاب آسمانی مان بسیار مورد سؤال قرار گرفته‌اند که: چرا فکر نمی‌کنید؟ «فلا یتفکرون»

بلی، یکی از واقعیات تلخ جامعه ما آن است که بسیاری از مردم نمی‌دانند که چگونه باید فکر کرد.

بیشترین نیاز جوامع، عادت به فکر کردن است. تفاوت انسان با دیگر موجودات همین قوه تفکر است، همان توانی که وجود آن در انسان باعث رشد و تکاملش خواهد شد.

در واقع، حیوانات از گذشته‌های دور در طول قرن‌ها هیچ تغییر و تحولی در زندگی شان ایجاد نکرده‌اند. برای مثال موش کور باید برای بینایی اش فکری می‌کرد و یا روباه برای

خودش حداقل نردبانی ساده می‌ساخت تا خروس بالای درخت قصبه‌ها را شکار کند. پس وجود فکر است که ما را با حیوانات تمایز می‌دهد و همین وجه تمایز او را اشرف مخلوقات کرده است.

پس فکر کردن توان منحصر بفرد انسان و هنر اوست؛ می‌توان گفت فکر کردن یک صنعت است و مانند هر صنعتی برای پدید آمدن، نیازمند ابزار می‌باشد و ابزار تفکر چیزی جز اطلاعات و آگاهی نیست و هنگامی که چنین ابزاری فراهم نیاید، تفکر معنایی ندارد. اما نکته مهم آن است که «کتاب»، نقش ویژه‌ای در ارائه اطلاعات ایفا می‌کند و این کتاب چنین رسالتی را دنبال می‌کند.

در حقیقت زندگی در همه اعصار فراز و نشیب‌هایی داشته است و زندگی امروزی ما هم از این قاعده مستثنی نیست، زیرا تکامل بشر در گرو همین پستی و بلندی‌هاست و برای طی کردن چنین مسیر ناهمواری در زندگی، تنها فکر و اندیشه است که می‌تواند انسان را به سلامت عبور دهد و به مقصد نزدیک سازد.

چه بسیاری از کسانی که می‌گویند: «ما بسیار فکر می‌کنیم اما راه به جایی نمی‌بریم و برای خیلی از پرسش‌های خود پاسخی نمی‌یابیم.» آنان به حقیقت خواسته‌اند که تفکر کنند اما دریغ از آنکه بدانند تا اطلاعات و دانش خود را حداقل در حوزه پرسش‌های خود نیفزایند، نخواهند توانست که فکر کنند.

«فکر کردن یعنی سنجش اطلاعات و علوم دریافتی و گزینش برترین‌ها»

به هر میزان که افراد جامعه‌ای از اطلاعات جدید و به دنبال آن اندیشه‌های نو و جدیدی برخوردار باشند، از زندگی سعادت‌مندانه‌تری هم بهره‌مند می‌گردند.

آنچه در این کتاب پیش روی شماست حاصل آگاهی و اندیشه اندک و قلم ناتوان این حقیر است که امید است با مطالعه عمیق خود به اندیشه‌های برتری دست یابید و با اطمینان بر اینکه شما از خردمندان هستید، اندیشه‌های خود را به راحتی جاری ساخته‌ام

بیشترین نیاز جوامع، عادت به فکر کردن، است.

زیرا که خداوند در کتاب آسمانی آورده است که:

«خردمندان کسانی هستند که سخنان را می‌شنوند و بهترین را انتخاب می‌کنند.»

در لابلای مطالب کتاب مرتباً سعی بر آن داشته‌ام تا اعتقاد خود را مبنی بر اینکه جهل و ناآگاهی آدمی از توان خدادادی و بالقوه‌اش، او را وامی‌دارد که از هر چیز و هر کس متوقع باشد غیر از خود؟!

گاه آنچنان زمین و زمان را به باد نفرین و ناسزا می‌گیرد که هر کس نداند، حق را به او خواهد داد. اغلب، آنچه از سختی‌ها و رنج‌ها در زندگی برایش پیش می‌آید را ناشی از بی‌توجهی اطرافیان و یا ضعف‌های موجود در محیط زندگی می‌داند و به نوعی دچار بی‌توقعی و گاه انتظارات غیر عقلانی می‌گردد. تنها توقعی، منطقی و قابل‌پذیرش است که فرد از خود طلب کند.

بنابراین باید دائماً به خود بگوییم: «تفکر آزاد» «توقع ممنوع» زیرا که در پایان جادهٔ زندگی نوشته‌اند: «دور زدن ممنوع» و دیگر فرصت دوباره‌ای برای بازگشت به زندگی نخواهیم داشت.

آری آن مخلوقی که اشرف مخلوقات نام گرفته، چگونه می‌شود که در حل مسائل زندگی‌اش عاجز بماند. هر یک از ما انسانها این اختیار را از سوی خداوند کسب کرده‌ایم که هر آنگونه که می‌خواهیم زندگی کنیم، آنچه ما را از خواسته‌هایمان دور داشته در حقیقت از «بی‌فکری» و «توقع داشتن از هر آنچه غیر خودمان» است.

پیشرفت یک جامعه و یک کشور به مغزهای متفکر آن جامعه بستگی دارد.

امید است شما خوانندگان خردمند بهترین را برگزینید.

به امید فرداهایی بهتر با جامعه‌ای آگاه‌تر و اندیشمندتر.

گر خطا گفتی، اصلاحش کن	گر خطا گفتی، اصلاحش کن
کیمیا داری که، تبدیلش کنی	کیمیا داری که، تبدیلش کنی
این چنین می‌ناگری‌ها، کار توست	این چنین می‌ناگری‌ها، کار توست
گرچه جوی خون بود، نیلش کنی	گرچه جوی خون بود، نیلش کنی
وین چنین اکسیرها، ز اسرار توست	وین چنین اکسیرها، ز اسرار توست